



mshrgh.ir/1148587

# مشرق

کد خبر 1148587

تاریخ انتشار: ۶ آذر ۱۳۹۹ - ۱۹:۱۹

مشرق گزارش می‌دهد/

## جزئیات نحوه نفوذ و جاسوسی «کایلی گیلبرت» / نوهی معنوی «برنارد لوئیس» چگونه در ایران به دام افتاد؟ + تصاویر اختصاصی



افرادی که به عنوان «جاسوس» به تور نیروهای اطلاعاتی ایران می‌افتند، همواره تعدادی پژوهشگر، گردشگر و فعال محیط زیست هستند که به خاطر علاقه به ایران اطلاعات حساس آن را جمع‌آوری می‌کنند!

**سرویس سیاست مشرق-** یکی از مشخصه‌های فرهنگی دوران جنگ سرد بین اردوگاه سرمایه‌داری و اردوگاه سوسیالیستی از پایان جنگ دوم جهانی تا ۱۹۹۱ و فروپاشی اتحاد شوروی، رمان‌ها و فیلم‌های ژانر جاسوسی بود که بسیاری از شخصیت‌های داستانی این آثار تبدیل به بخشی از فرهنگ عامه غربی‌ها تبدیل شدند. یکی از تاثیرات این فیلم‌ها و رمان‌ها، شکل دادن به تصویر «جاسوس» در ذهنیت عمومی

مردم دنیا بود: فردی به شدت خونسرد، بی‌عاطفه و صورت‌سنگی، فرزند و چابک، دست به هفت تیر که مثل سوپرمن خلاف جهت اتوبان رانندگی می‌کند و از پشت بامی به پشت بام دیگر می‌جهد... د. و البته آن بارانی و کلاه شاپوی معروف و سیگاری که مثل دودکش کنج لب دود می‌کند.



این تصویر ناخودآگاه در ذهنیت عمومی همه‌ی خوانندگان و بینندگان این آثار ته‌نشین شده و وقتی صحبت «جاسوس» می‌شود، همین تصویر هالیوودی به ذهن می‌آید. از این رو، وقتی چهره معصوم یک «معلم» خبرنگاری، جثه‌ی ریز و ساده فلان «دانشجو» یا چهره لاغر و رنگ پریده یک «دانشمند» محترم حوزه پزشکی هسته‌ای را به عنوان جاسوس (آن هم جاسوسی زبردست و سطح بالا) در اخبار می‌بینند، نمی‌توانند آن را با تصویر ته‌نشین شده‌ای که امثال یان فیلمینگ، گراهام گرین و فردریک فورسایت (از مهم‌ترین جاسوسی‌نویسان قرن بیستم) از «جاسوس» در ناخودآگاه آن‌ها نقش زده است، تطبیق دهند.

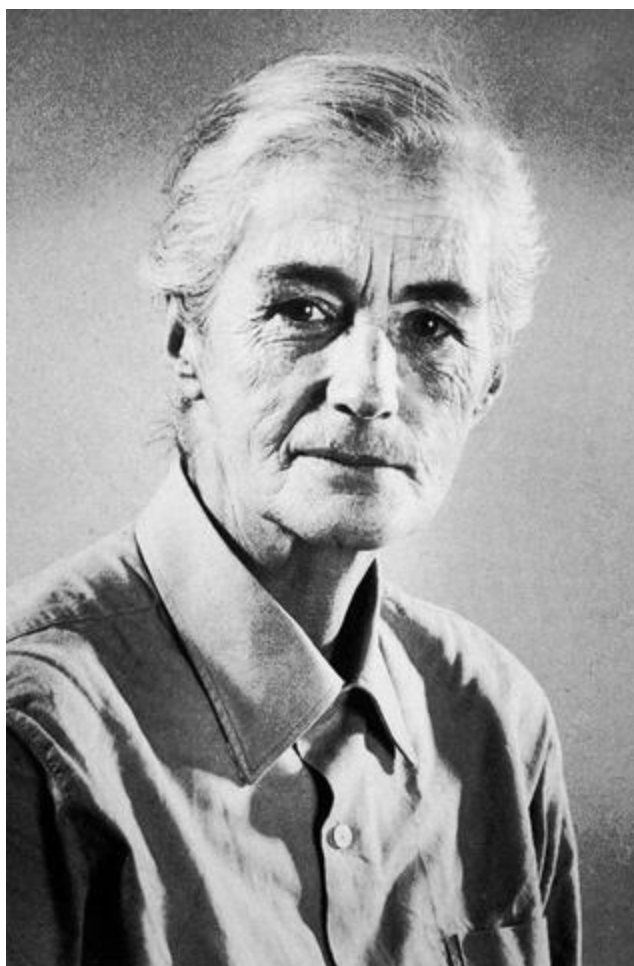
این در حالی است که همان تصویر جنگ‌سردی از جاسوسی و جاسوس هم چندان با واقعیت ماجرا تطبیق نداشت. در همان دوران و حتی در دوران جنگ جهانی اول و دوم، بودند بازیکنان معروف بیس‌بال، هنرپیشه‌ها، آهنگسازان، فلان آشپز معروف، فلان شعبده‌باز مشهور، نویسنده معروف کتاب‌های کودک و نوجوان و امثال این‌ها، که جاسوس یا همکار سرویس‌های اطلاعاتی غربی (به ویژه انگلستان) از کار درآمدند.

اما جاسوسی در قامت «سیّاح»، «مسیحون مذهب»، «پژوهشگر» و «استاد دانشگاه» در همین کشور ما، قدمتی دست‌کم ۱۲۰ ساله دارد. **ادوارد گرانویل براون**، کسی که به عنوان «ایرانشناس» برجسته بریتانیایی از او یاد می‌شود، در دوره قاجار نقش مهمی در تحولات داخلی ایران داشت و یکی از عوامل اصلی برجسته شدن فرقه جعلی و انحرافی بابیت و بهابیت شد. این فرد که متاسفانه خیابانی رو به روی درب غربی دانشگاه تهران در خیابان ۱۶ آذر به نام اوست، یک جاسوس کارکشته‌ی بریتانیایی بود. [۱]



ادوارد براون در لباس قجری

خانم «آن لمبتون»، دیگر «ایرانشناس» مشهور، جاسوس دولت بریتانیا بود که گزارش‌هایی از نقش‌آفرینی او در کودتای ۲۸ مرداد وجود دارد. [۲]



آن لمبتون

«ریچارد نلسون فرای»، دیگر «ایرانشناس» آمریکایی، که چند سال پیش بر سر دفن جنازه او در کنار زاینده‌رود جنجال به پا شد، جاسوس کارکننده سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا (سیا) بود. [۳]



### ریچارد فرای

برنارد لوییس یهودی انگلیسی، یکی از معروف‌ترین شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان جهان که به همراه آن لمبتون سفرهایی به ایران داشت، نه تنها همکار سرویس‌های جاسوسی بود، که یکی از استراتژیست‌های اصلی سازمان‌های جاسوسی غربی در دوران پساجنگ سرد محسوب می‌شد. بسیاری از کارشناسان امنیتی، برنارد لوییس را مرشد معنوی نومحافظه‌کاران وحشی آمریکایی چون جرج بوش و جان بولتون و دیک چینی می‌دانند.

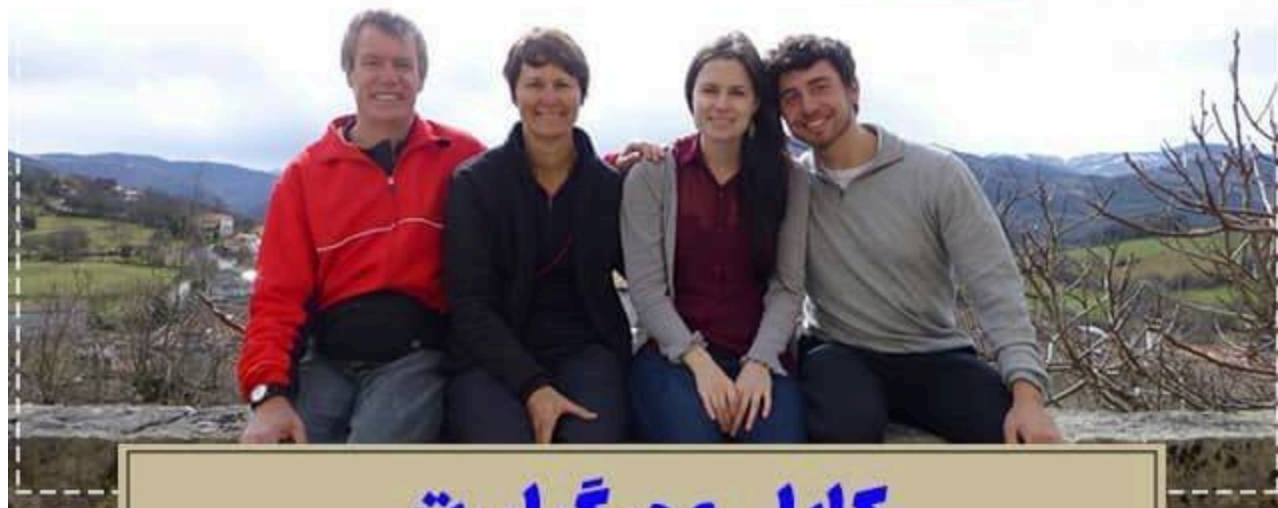


### برنارد لوییس

اما وقتی ملت‌های شرقی را این‌چنین از «تاریخ» و «فرهنگ» دور می‌کنند که تیراژ کتاب به ۲۰۰ و ۳۰۰ می‌رسد و اساتید و دانشجویان (به عنوان اقشار سابقا فرهیخته) به جای تلاش برای ایجاد آگاهی و معرفت نسبت به هویت و تاریخ، سرگرم دعوای پوچ توثیقی و جنجال‌های مبتذل اینستاگرامی می‌شوند و بازوهای تبلیغاتی نظام سلطه که رسماً و صراحتاً برای پروپاگاندا سیاسی علیه ایران شکل گرفته‌اند (همچون بی بی سی فارسی و سعودی اینترنشنال) تبدیل به منابع معرفتی و تحلیلی می‌گردند، آن‌گاه تعجب‌برانگیز و بلکه حیرت‌آور می‌شود که اعقاب و اخلاف لمبتون، فرای و برنارد لوییس، در قالب دانشجو، مربی خبرنگاری، جهانگرد، فعال محیط زیست و... وارد کشوری شوند که تمام ظرفیت جاسوسی و اطلاعاتی نظام سلطه در بیش از ۴۰ سال گذشته روی آن متمرکز بوده تا از بیخ و بن آن را تجزیه و ویران سازد.

\*\*\*\*

روز چهارشنبه (۵ آبان)، یک جاسوس سه تابعیتی که در خدمت سرویس موساد بود، با سه شهروند ایرانی زندانی در خارج از کشور مبادله شد. این فرد سه تابعیتی (استرالیایی، بریتانیایی، اسرائیلی)، خانم «کایلی مور گیلبرت» (متولد ۱۹۸۷) بود که در سال ۹۷، به اتهام جاسوسی برای موساد توسط پاسداران گمنام امام عصر (عج) در سازمان اطلاعات سپاه بازداشت شد.



## کایلی مور گیلبرت

کایلی متولد ۱۹۸۲ در استرالیا و دارای تابعیت دوگانه استرالیایی، انگلیسی است. او در خانواده مسیحی تبار به دنیا آمد اما بعدها به اقتضای شغلش مجبور به تغییر مذهب از مسیحیت به یهود می شود.

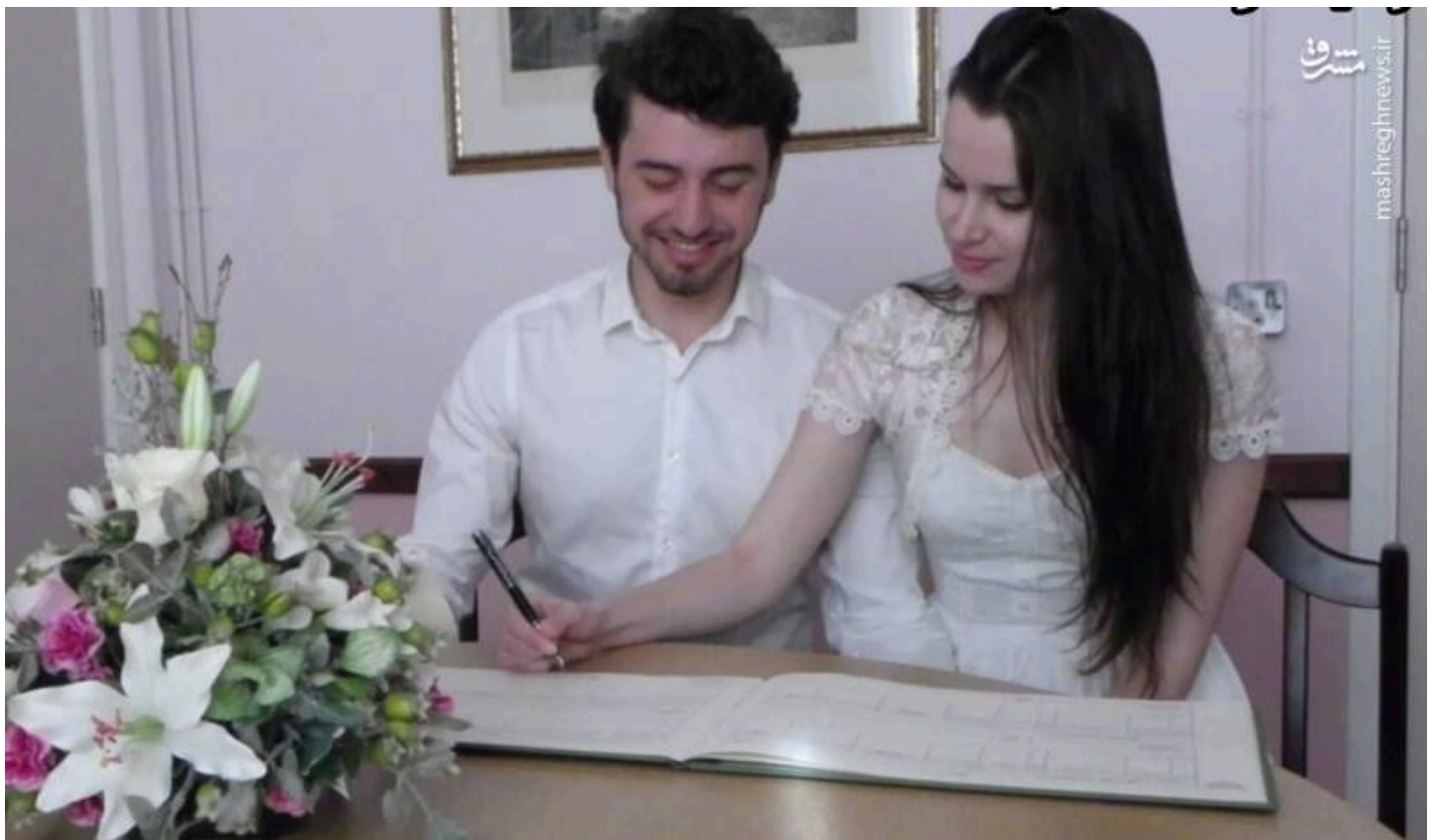
کایلی گیلبرت استرالیایی نزد یک استاد اسرائیلی در دانشگاه حیفا عبری آموخت و دوره تکمیلی یادگیری عبری ۸ ماه به طول انجامید. او در همین دوره، با یک اسرائیلی به نام «روسلان هودروف» آشنا شد و این دو بعدا با هم ازدواج کردند.



**سرویس اطلاعاتی امان برای او یک ازدواج تشکیلاتی ترتیب داده  
ویک نظامی صهیونیست به نام روسلان هودوروف را به عنوان  
همسر برای کایلی برمی گزیند.**

کایلی گیلبرت در مراسم عروسی با شوهر اسرائیلی خود (مراسم سنتی عقد یهودی موسوم به استیل چوپاه)

روسلان در یک شرکت اسرائیلی که مدیران آن در پیوند با سازمان امنیت داخلی اسرائیل (شاباک) بودند، کار می کرد. خود کایلی در یک دوره آموزش نظامی فشرده در پارگان گادنا در سرزمین های اشغالی حاضر شده بود.



او برای تکمیل پایان‌نامه‌اش با «آمی آیالون»، از روسای سابق شاپاک هم دیدار و مصاحبه داشت. خانم گیلبرت از اوایل دهه ۹۰ شمسی، با یک موسسه امنیتی به نام «موسسه بین‌المللی ضدتروریسم» (ICT) شروع به کار کرد. ICT خود وابسته به موسسه‌ای به نام «مرکز مطالعات میان‌رشته‌ای هرتزلیا» در سرزمین‌های اشغالی است. موسسه هرتزلیا ماموریت دارد که در پوشش فعالیت‌های علمی، داده‌ها و محتوای مورد نیاز برای سرویس‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را فراهم کند.



**کایلی گیلبرت در سال ۲۰۱۳ با روسلان هودوروف  
افسر اطلاعات اسرائیل، ازدواج می کند. او سپس  
دوره های امنیتی را در استرالیا و در دانشگاه  
ملبورن برای آشنایی با فعالیت های جاسوسی در  
ایران می گذراند.**

کایلی پس از سه ماه کارآموزی در ICT برای فعالیت در یکی از پروژه های تعریف شده در این مجموعه، به نام «پروژه ایران» جذب شد. او در سال ۹۲ در سفری سه ماهه به همراه همسرش به سرزمین های اشغالی، هفته ای ۴ روز به صورت حضوری یا آنلاین، با مرکز هرتزلیا در ارتباط بود. در همین برهه، او یک پروپوزال تحقیقی با موضوع «ایران و تلاش برای ایجاد یک بلوک شیعه در غرب آسیا با هدف اشاعه تروریسم و فرقه گرایی» با محوریت حضور ایران و متحدان آن در سوریه، به آی سی تی ارائه داده بود.



### با خانواده همسر در سرزمین‌های اشغالی

این «دخترک معصوم» استرالیایی، و این پژوهشگر مسایل اسلام، تصمیم گرفت روی نقش نیروهای متحد ایران در نزاع سوریه تحقیق کند. گیلبرت همین موضوع را در قالب کلی‌تر رشد نیروهای شبه‌نظامی شیعه و ظهور فرقه‌گرایی در فضای پس از بهار عربی، به عنوان یک پروپوزال به دانشگاه ملبورن ارائه داد تا در دوره دکتری پذیرفته شود. او اما یک سال بعد از پذیرش پروپوزال خود در دانشگاه ملبورن، با درخواست مرکز ICT چارچوب پروژه خود را از سوریه، به بحرین تغییر داد.

نکته بسیار مهمی که درباره آی سی تی وجود دارد این است که این مجموعه، در واقع بازوی تحقیقات علمی برای سرویس اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی یا «آمان» است که بر اساس نیازهای متنوع ارتش و سرویس اطلاعات نظامی، پروژه‌های تحقیقاتی برای دانشجویان، کارشناسان و پژوهشگران خود تعریف می‌کند.



گیلبرت در سرزمین‌های اشغالی مقابل دیوار موسوم به دیوار ندبه



در واقع، کارشناس مسوول کایلی گیلبرت در آی سی تی، یعنی **دووراه مارگولین**، به عنوان رابط سرویس «آمان»، کایلی را تشویق کرد که پروژه خود را از سوریه به بحرین تغییر دهد چرا که آمان در این مقطع به شدت نیازمند شناسایی انقلابیون بحرین، رابطه شیعیان بحرین با قطب شیعه در جهان یعنی جمهوری اسلامی و شناخت شبکه ارتباطی چهره‌های مبارز بحرینی بود. به بیان دیگر، کایلی مور گیلبرت، این دختر ظاهراً استرالیایی، به سان یک مزدور امنیتی، سرخط ماموریتی را از کارفرمای امنیتی گرفت و در قالب پروژه آکادمیک، ماموریت جاسوسی خود را کلید زد.



### دووراه مارگولین

در ادامه‌ی ماموریت آماده سازی سوژه برای شروع نفوذ به ایران، او یک دوره یک سال و نیمه آموزش عربی و فارسی را هم گذراند. او در همین دوره، تحت آموزش یک فعال سیاسی و سیاستمدار بحرینی نزدیک به حکومت و مخالف سرسخت جنبش شیعیان این کشور، با کشور هدف، فرهنگ و سیاست آن آشنایی دقیق‌تری پیدا کرد.

**جاسم حسین**، چهره نزدیک به دستگاه استخبارات رژیم بحرین است. گیلبرت با هماهنگی و همکاری جاسم حسین، سفری به بحرین کرد تا به صورت میدانی با سوژه تحقیق آشنا شود. او به صورت مرتب با افسران سرویس اطلاعاتی حکومت آل خلیفه در رستورانی در منامه دیدار می کرد.



**جاسم حسین**

گیلبرت که معلوم شد برنامه‌های آموزشی و دوره‌های جاسوسی خود را در سرزمین‌های اشغالی و استرالیا به خوبی فراگرفته بود، در بحرین توانست اعتماد بسیاری از گروه‌های سیاسی مخالف حکومت را جلب کند و شبکه‌ای از فعالان مقابل با حکومت آل خلیفه را با اسامی و مشخصات دقیق، احصاء نماید.

او حتی با بسیاری از چهره‌های کلیدی اپوزیسیون بحرین (حدود سی شخصیت و خانواده‌های ایشان) از جمله نبیل رجب مصاحبه کرد. خانم گیلبرت بابت انجام موفق مرحله اول پروژه خود، پول خوبی از جاسم حسین (و در واقع حکومت بحرین و با توصیه سرویس‌های اسرائیل) دریافت کرد.



اما مرحله دوم پروژه این «پژوهشگر» جوان، مربوط به ردیابی و ارتباط گرفتن با چهره‌های بحرینی بود که در داخل خاک ایران حضور داشتند. بحرین که تا همین ۵۰ سال پیش، استانی از استان‌های ایران بود و بخشی از خاک کشور ما محسوب می‌شد، صرفاً با خیانت شخص محمدرضا پهلوی و دلالتی اعضای شبکه‌ی انگلستان در ایران در دهه ۵۰ از ایران جدا شد. اکثریت بزرگ جمعیت این کشور شیعه هستند و حُب ایران، در گوشت و پوست ایشان است و از این رو، طبیعی است که جمعیت زیادی از بحرینی‌ها به دلایل مختلف فرهنگی، اعتقادی و سیاسی در سرزمین مادری یعنی ایران حضور داشته باشند.



اما سفر به ایران، به همان سادگی سفر به بحرین نبود و برای نفوذ دادن مهرهای چون گیلبرت، باید تمهیدات خاصی اندیشیده می‌شد. از این رو، در سال ۹۷ و پیش از سفر به ایران، در دانشگاه ملبورن از طریق سرویس آمان برای خانم گیلبرت یک دوره آموزش اصول حفاظتی سفر به ایران صورت گرفت.

بنا بر سرفصل‌های ماموریتی، او قرار بود در هفته‌های اول سفرش به ایران، به مصاحبه با دانشجویان و طلاب بحرینی مقیم ایران بپردازد. این که گیلبرت به صورت رسمی تحصیلات دانشگاهی خود را در انگلستان و استرالیا صورت داده بود و رد آشکاری از حضورش در سرزمین‌های اشغالی وجود نداشت و علاوه بر این، تاکنون سابقه بازداشت یک تبعه استرالیایی در ایران به واسطه مسایل امنیتی دیده نشده بود، تا حدی زیادی خیال گیلبرت و هادیان امنیتی او را از عدم ردیابی پیوندهای اطلاعاتی او راحت می‌کرد.



### کایلی گیلبرت در بحرین

با این حال، این عامل آموزش دیده، پیش از سفر به ایران، همه تجهیزات الکترونیکی از جمله موبایل، تبلت و لپ تاپ خود را عوض کرد و به شوهر اسرائیلی خود سپرد که به محض احساس کوچک‌ترین مشکل در ایران، تمام حساب‌های ایمیلی و شبکه‌های اجتماعی او را پاکسازی نماید.

او قرار بود یکی از چهره‌های مهم بحرینی حاضر در ایران و مقیم در شهر مقدس قم را پیدا کند و از طریق پیوند با او، به شبکه‌ای از بحرینی‌های مقیم ایران دسترسی یابد. اما این چهره مهم، به سادگی قابل دسترس برای یک خارجی نبود، و این مشکل قرار بود از طریق رابطی که در پیوند با جاسم حسین بود، حل شود. یعنی گیلبرت باید به الیاس در ایران متصل می شد تا از طریق او رد آن چهره معروف بحرینی در قم را پیدا کند.

الیاس البته از ماهیت واقعی کایلی و ماموریت او اطلاعی نداشت، بلکه گمان می برد قرار است به یک فرد پژوهشگر و علاقمند به انقلاب بحرین کمک کند. کایلی، این مهره کارکشته سرویس اسرائیلی آمان، توانست با همان شگرد قدیمی جاسوسه‌های صهیونیست (در راس آنان لیونی، وزیر خارجه اسبق اسرائیل)، الیاس را به خود جذب و او را وادار به همکاری نماید.



گیلبرت در پوشش فعالیت آکادمیک، توانست در سلسله جلسات «شیعه‌شناسی» دانشگاه ادیان و مذاهب حضور یابد تا به یک پژوهشگر آلمانی این حوزه که ارتباطات نزدیکی با بحرینی‌های مقیم قم داشت، متصل شود. در نهایت، او از طریق همین ارتباطات مرحله‌ای و پله به پله به ردهای مهمی از روحانی مهم بحرینی که سوژه‌ی ماموریت او بود، دست یافت.

کایلی در همین روند، با بسیاری از دانشجویان و طلاب بحرینی به گفتگو نشست و اطلاعات خود را به صورت قطعات پازل جمع‌آوری می‌کرد و همه این داده‌ها برای سرویس اطلاعات نظامی اسرائیل یا آمان فرستاده می‌شد.



**کایلی که از اشراف اطلاعاتی ایران برخود بی اطلاع است، به منظور عادی سازی حضور خود در ایران به اماکن مذهبی، هیئات و اماکن توریستی می رود تا کسی نسبت به این سفر شک نکند.**

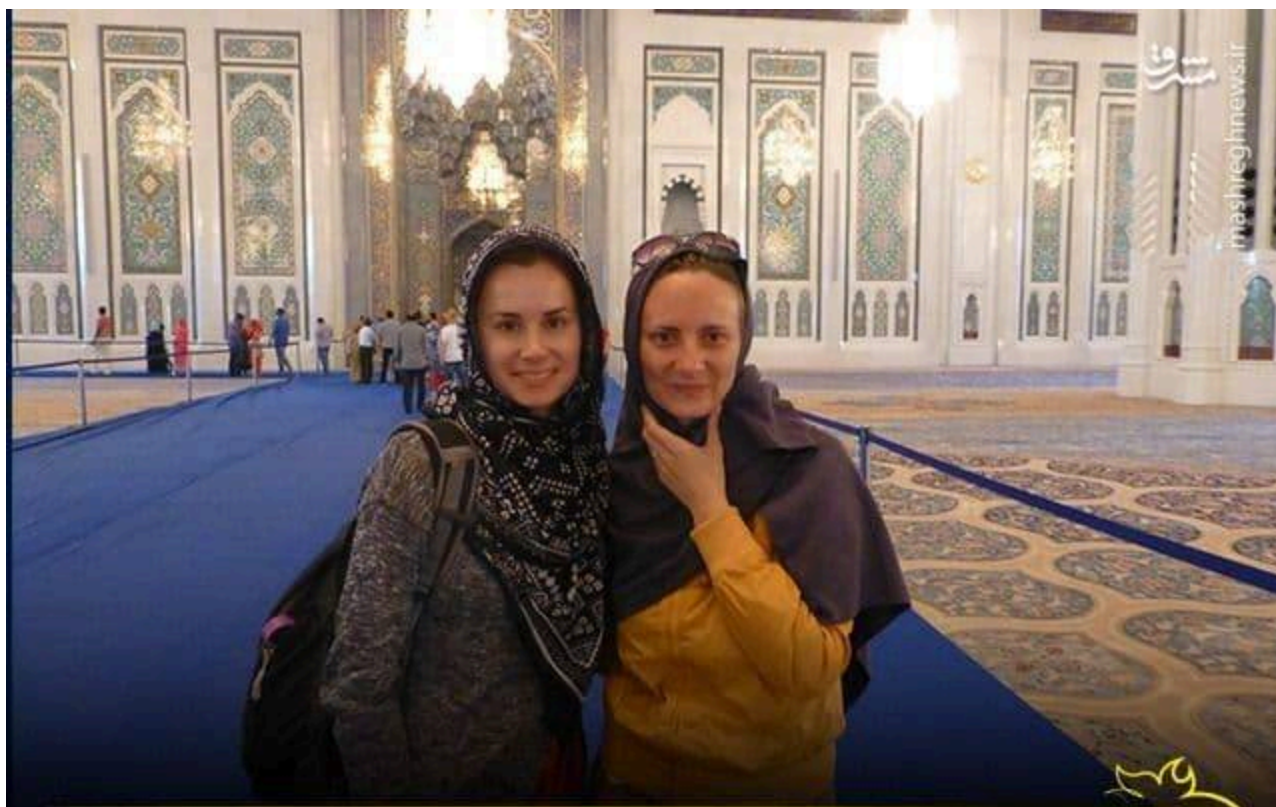
کایلی تلاش خود را از قبل از سفر به ایران از طریق ارسال چند ایمیل به وزارت خارجه و طرح درخواست ملاقات با یک کارشناس امور بحرین در دستگاه دیپلماسی ایران، آغاز کرده بود. او در سفر به ایران حتی چند باری به ساختمان وزارت خارجه نیز مراجعه کرده بود اما در نهایت در این هدف خود ناکام ماند.

این مهره سرویس جاسوسی آمان، در نهایت، در حالی که در تور رصد نیروهای اطلاعاتی ایران بود، از ایران خارج شد، اما کمی بعد، با هدف تکمیل پروژه‌های جمع آوری خود به کشور بازگشت. او این بار قرار بود که به دنبال سرنخ‌هایی برای ادعاهای محور عبری-عربی مبنی بر مسلح شدن انقلابیون بحرین توسط جمهوری اسلامی بگردد.



**کایلی خود را بارشته مطالعات اسلامی و خاورمیانه بیگانه می بیند و تمایل دارد باروش های ویژه خود اقدام به جاسوسی و جمع آوری اطلاعات نماید. اما امان او را متقاعد می کند که برای نزدیک شدن به چهره های خاص، نیاز به پوشش ویژه دارد و بهترین پوشش برای این منظور تحصیلات دانشگاهی و پژوهش های علمی در مسائل اسلامی و خاورمیانه است.**

این جا لازم به یادآوری یک مساله بسیار مهم است. رژیم بحرین، بر اساس صدها و هزاران گزارش مستند نهادها و موسسات حقوق بشری در خود غرب، یکی از سیاه ترین کارنامه های در وحشی گری و قساوت علیه مخالفان و حتی منتقدان خود را دارد. رژیم بحرین با همکاری کنسرسیومی از سرویس های اطلاعاتی محورعبری-عربی و حتی حضور مستقیم نیروهای نظامی سعودی، خیزش مردم بحرین را با بدترین و خونین ترین وجه سرکوب کرد.



## سرویس اطلاعاتی امان، به منظور حفظ پوشش و توجیه اقدامات بعدی، کایلی را ملزم به ادامه تحصیل در مقطع دکتری رشته مطالعات اسلام و خاورمیانه می کند.

بر اساس گزارش‌های بی‌شمار و شهادت شاهدان عینی، در زندان‌های رژیم آل خلیفه هیچ خط قرمز انسانی و اخلاقی در آزار و شکنجه مخالفان وجود ندارد و دستگاه اطلاعاتی رژیم آل خلیفه که دست‌آموز موساد است، ترکیبی از انواع روش‌های شکنجه و تجاوز را برای درهم شکستن مخالفان به کار می‌گیرد. کایلی مور گیلبرت، در واقع مامور جمع‌آوری اطلاعاتی بود که قرار بود از طریق سرویس اطلاعاتی اسرائیل، به رژیم ضدبشری و وحشی آل خلیفه برسد تا سرکوب و شقاوت خود را علیه مخالفان با شدت و حدت بیشتری اعمال کند.

در سفر دوم خود به ایران، گیلبرت به صورت مرتب به اماکن مقدس شهر ری و شهر مقدس قم، مراکز مطالعات اسلامی و حوزه‌های علمیه می‌رفت تا پازل اطلاعاتی خود را کامل‌تر نماید.



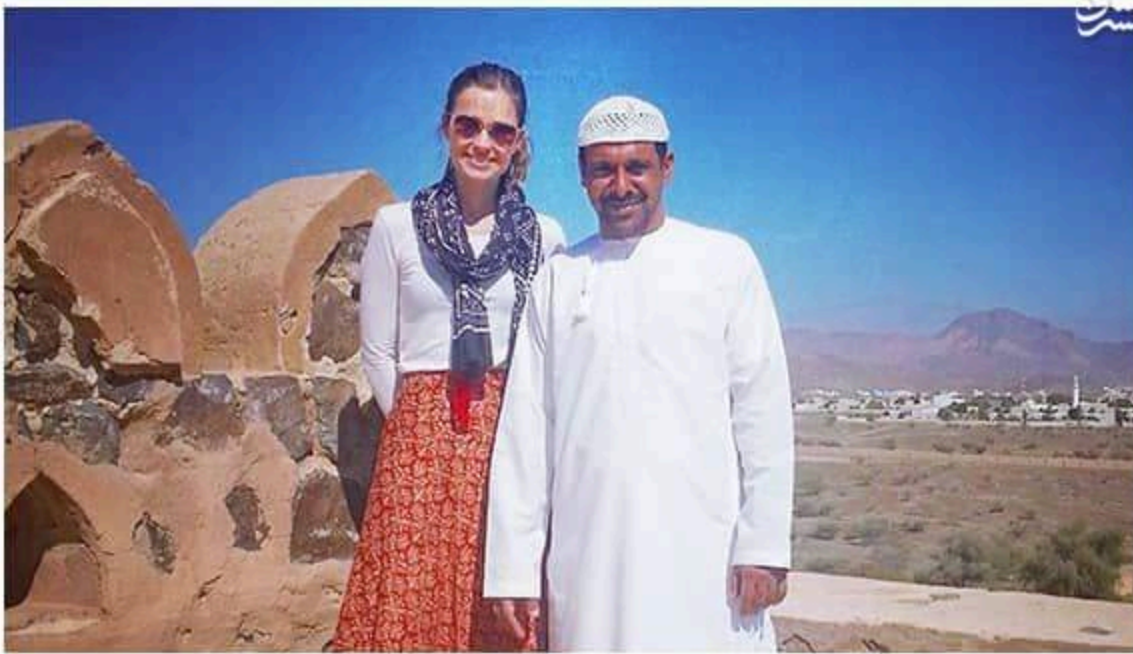
**دوره آموزش اختصاصی کایلی برای  
ماموریت ایران دو سال زمان برد  
و اوطی این مدت کاملاً به زبان  
فارسی مسلط می شود.**



در نهایت، در شهریور ۹۷، سازمان اطلاعات سپاه، بعد از یک دوره رصد و پیگیری، وقتی شبکه ارتباطات گیلبرت را شناسایی کرد، با حکم دستگاه قضایی او را بازداشت نمود. او در دادگاه انقلاب به جرم جاسوسی برای اسرائیل، به ۱۰ سال زندان محکوم شد.



اما به عنوان نکته پایانی باید گفت، در «جنگ ادراکی» که دست‌کم از زمستان ۹۶ و پرونده جاسوسان محیط زیستی علیه ایران و تشکیلات اطلاعاتی و قضایی جمهوری اسلامی به راه افتاده، از طریق شبکه پیچیده رسانه‌های دشمن و همکاران داخلی دشمن، این‌گونه وانمود می‌شود که اصولاً چیزی به نام «جاسوسی» علیه کشوری با وسعت، جمعیت، جایگاه و اهمیت راهبردی آن در منطقه و عرصه بین‌الملل یعنی جمهوری اسلامی ایران، وجود خارجی ندارد و این افرادی که به عنوان «جاسوس» به تور نیروهای اطلاعاتی ایران می‌افتند، صرفاً مشت‌پزوهشگر، توریست، فعال محیط زیست یا صرفاً علاقمند به فرهنگ و جاذبه‌های ایران هستند که از فرط علاقه و دلسوزی برای ایران و ایرانی، داده‌ها و اطلاعات فوق حساس تاسیسات موشکی و هسته‌ای ایران را جمع‌آوری می‌کنند، یا از سر علاقه شخصی و برای کلکسیون خانوادگی هویت و مشخصات فعالان محور مقاومت را گردآوری می‌نمایند.



mashreqnews.ir

**کایلی ۳۱ ساله با عنوان استاد دانشگاه و شیعه شناس، به تمام کشورهای مهم منطقه غرب آسیا سفر کرده بود، ایران مصر، سوریه، عراق، بحرین، کویت و... او در این سفرها در مجامع علمی و مذهبی حاضر می شد و با شخصیت های فرهنگی و مذهبی این کشورها در ارتباط بود.**

در بمباران تبلیغاتی شبکه های رسانه ای دشمن یا وابسته به دشمن، مجرمین امنیتی صرفا مادری مهربان، پدري فداکار، دانشمندی وطن پرست یا فعال حقوق یوزپلنگان ایرانی هستند و دستگاه اطلاعاتی ایران از سر پدرکشتگی و کینه ورزی شخصی آنان را دستگیر می کند. متأسفانه در این جنگ ادراکی، مواضع و اظهارات شماری از چهره ها که صاحب مسوولیت در کشور هم هستند، تکمیل کننده پازل است، کما این که در ماجرای جاسوسان محیط زیستی و شاهمهره های جاسوسی چون **مراد طاهباز** و **کاووس سیدامامی** (هر دو یهودی تبار)، از فلان نماینده مجلس تا مشاور رییس جمهور، تا رییس سازمان حفاظت محیط زیست وارد عمل شدند تا با تخطئه دستگاه قضایی و امنیتی، روند رسیدگی به موارد جاسوسی و ضدامنیتی را با اخلال مواجه سازند.

این در حالی است که در یک کشور غربی یا کشورهای هم پیمان غرب، هیچ گاه، کسی در هیچ جایگاهی به خود اجازه نمی دهد در حالی که یک پرونده ضدامنیتی و جاسوسی مفتوح و در حال رسیدگی است درباره جوانب مختلف آن حتی اظهارنظر کند، چه برسد که آن مورد را به کل زیر سوال ببرد. از سوی دیگر، دست کم دو پرونده **نازنین زاغری** و همین کایلی گیلبرت نشان داد که سرویس های جاسوسی دشمن، با استفاده از بانوان جوان برای نفوذ و جاسوسی، به دنبال آن هستند که هم حساسیت های امنیتی ابتدایی را درباره آنان کم کنند و هم در موقعی که سوژه لو رفت و دستگیر شد، یک هاله عاطفی حول زنانگی و مادرانگی او ایجاد کنند تا راحت تر او را از مهلکه به در ببرند.

حکایت جاسوسی و ضدجاسوسی در قرن بیست و یکم، پیچیدگی‌ها و مشخصات خاص خود را پیدا کرده و روز به روز ابعاد و لایه‌های جدیدی بر آن افزوده می‌شود و این مساله، لزوم جدی گرفتن برخی آموزش‌های عمومی به توده‌های مردم را در این حوزه‌ها ضروری‌تر می‌کند.

[1] <https://snn.ir/fa/news/449358>

[2] <https://historydocuments.ir/print.php?id=1370>

[3] <https://www.mashreghnews.ir/news/307501>

بلیط هواپیما	آهن ملل	سیگنال ارز دیجیتال	آب آهنگ	موزیک شاه	سایت تاریخ ایران
استعلام شرکت با شماره ثبت	رزرو هتل های استانبول	رزرو هتل استانبول	قیمت هبلکس		
دانلود مداحی و نوحه	مزایده خودرو	حرز امام جواد	کوچینگ مدیرعامل	دانلود آهنگ جدید	
فروشگاه های انتخاب من	کرکره و جک پارکینگی	موکت تاپلی	قیمت جدید بنزین	آهنگ های جدید	
قیمت طلای آب شده	خرید طلای آب شده	قیمت طلا			

خودرو

این مطالب را از دست ندهید....

صهیونیست‌ها در اعتراضات معیشتی اخیر چه کردند؟

